

نخارش (۳)

پاسخ فعالیت ها، کارگاه های نوشتن و سازه های نوشتاری

رئیس‌طالب خواه

درس اول: خاطره نگاری**فعالیت ۱: صفحه ۱۵**

در دو بند زیر خاطره پیش گفته با دو زاویه دید، نوشته شده است. این دو بند را بخوانید و با هم مقایسه کنید.

«جوان آن شب به آستانه بیست سالگی پای می نهاد. قرار بود بچه های خوابگاه برایش جشن تولد بگیرند؛ کم کم سال دوم دانشگاه را پشت سر می گذاشت. تمام حواسش به آن شب بود و سعی می کرد زودتر خود را به اتوبوس سرویس کوی دانشگاه برساند که...»

در متن اول کسی که خاطره را تعریف می کند به عنوان یک شاهد بیرونی است و سعی کرده تمام آنچه را که دیده و تجربه کرده است را به عنوان یک فرد بیرونی تحلیل و تعریف می کند. در این مدل از خاطره گویی راوی از زاویه دید خود خاطره را تعریف می کند و با فضا سازی سعی می کند آن را تاثیر گذار کند. (سوم شخص)

بیست سالم بود؛ قرار بود بچه های خوابگاه برای من جشن تولد بگیرند؛ کم کم سال دوم دانشگاه را پشت سر می گذاشتم. تمام حواسم به آن شب بود و سعی می کردم زودتر خودم را به اتوبوس سرویس کوی دانشگاه برسانم که...»

در متن دوم راوی از زاویه و نگاه خاطره بازگو می کند و در شکل گیری آن رویداد نقش موثر و مستقیم دارد در این مدل هم با فضا سازی سعی در تاثیر گذاری آن می شود (اول شخص)

فعالیت ۲: صفحه ۱۷

آیا جز مواردی که برای شروع خاطره نگاری برشمردیم، به نظر شما شیوه دیگری نیز وجود دارد که آغازگر مناسبی برای نوشتن خاطره تلقی شود؟ نمونه بیاورید.

بله، هر نویسنده ای می تواند بر اساس هدف خود و این که کدام بخش خاطره برایش اهمیت بیشتری دارد خاطره را بر اساس آن بخش شروع کند؛ مثلاً: شروع خاطره بر اساس وصف اشخاصی، شروع خاطره بر اساس اشیاء گل ها و درختان، کتاب مورد علاقه و و مانند خاطره ی زیر که شروع آن بر اساس وصف یک دوست است

داشتن دوست خوب نعمت بزرگی است و خدا چقدر دوستم داشته که در زندگی از این نعمت برخوردار بوده ام؛ به ویژه این دوست نازنینی که در نظر دارم خاطره ی یک روز با او را حکایت کنم.

کارگاه نوشتن درس اول: صفحه ۲۳

تمرین (۱) به پیوست کتاب مراجعه کنید و متن «روزها»، نوشته محمدعلی اسلامی ندوشن را بخوانید و به سؤال های زیر پاسخ دهید.

الف - کدام ویژگی ها این نوشته را به عنوان خاطره از سایر قالب ها مجزا می کند؟

این نوشته نثری ساده و شیوا دارد. لحن عاطفی و پر احساس نویسنده، خواننده را با متن همراه می کند و بر لطف و کشش متن افزوده است. فضا سازی نویسنده در ترسیم محیط زادگاه خود بی نظیر است. نویسنده در توصیف صحنه ها و شخصیت پردازی، نکته اندیش و نکته گو است. در مجموع سادگی و بی تکلف بودن نثر باعث تمایز این خاطره با سایر قالب ها شده است.

ب- متن را با توجه به معیارهای زیر بررسی کنید.

- موضوع: دوران تحصیل در دبستان (برشی از دوران کودکی)
- زاویه دید: اول شخص
- شروع: بر اساس رویداد (مرگ پدر راوی)
- سادگی و صمیمیت زبان: متن نثری ساده و بی تکلف دارد. لحن عاطفی و پر احساس نوشته منجر به تولید متنی زنده و پر کشش شده است.

تمرین (۲) یکی از خاطرات زندگی خود را بنویسید.

پاییز بود؛ و غروب جمعه نیز شهر به آرامی در سیاهی شب غرق می شد. تک و تنها در گوشه اتاقم کز کرده و زانوی غم بغل گرفته بودم. به خیال خودم، داشتم با بغض سختی که راه نفسم را بسته بود، پیکار می کردم. اما مگر می شد؟! آب دهانم را به زحمت قورت می دادم که مبادا اشکم بریزد؛ این دیگر عمق فاجعه بود! اما مشکل آن بود که نمی دانستم چه مرگم است؟ به درس هایم فکر می کردم، در نقطه امنی بودم و مشکل درسی نداشتم. در خانواده و رابطه ام با دوستانم جست و جو می کردم باز هم به بن بست می خوردم! همه چیز آرام بود. پس این دل را چه شده؟ با بی رحمی دل خوری ها و بغضم را به پای پاییز زیبا و باران های عاشقانه اش نوشتم. اما عمق وجودم، دردم را داد می زد.

احساس خلاء می کردم. دلتنگ آغوش بودم. مهم نبود آغوش چه کسی؟ تنها آغوشی که حس امنیت را تزریق کند. همین که می فهمیدم کسی دوستم دارم در آن لحظه برایم کافی بود. صدای چرخش کلید آمد. سراسیمه به بیرون دویدم. گویی به انتظار کسی بودم که بیاید و مرا از این مخمصه کریه نجات دهد. همدم بود؛ منجی روزهای دشوارم مادرم.

با آن رز سفید رنگی که در دستانم نهاد، همانند روزهای کودکی سپرم کرد. اما این بار سیر از محبتی که تشنه اش بودم. سوالی نگاهش کردم. خودش توضیح داد: حدس می زدم که رز سفید خونت اومده باشه پایین گفتم اینو برات بیارم تا پاییز نتونه حال دل دختر بهاری منو بد کنه.

مثل نویسی

مثل های زیر را بخوانید. سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.

- از دل برود هر آنکه از دیده برفت.
- باز فیلش یاد هندوستان کرد.
- به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی

گوشه شهر را وجب می کنم با بارانی تکیده ای بر تن که شاید سرمای دلم را آرامشی ندهد. اما خوب می تواند مرهم زخم های تنم باشد. می بینم روزی را که ستاره شب هایم خاموش می شود. ترس از تنهایی و بی کسی تمام بچه های کوی ما را می لرزاند زیرا این باران که امشب بر خرابه های شهر می زند نیم نگاهی به پای برهنه کودکان ندارد. رهگذر می گذرد نم نمک اشک هایی می ریزد. شاید دیگری گمان کند که آسمان دلش برای ما ابريست اما من خوب می دانم که او پر ویرانه قلب خود می گوید که هر دم سببی را هوس می کند. این شب بارانی می گذرد با تمام رنج هایش، عاشقان می خندند، شالیکارها سجده می کنند و این برای من غم انگیز ترین سمفونی زندگی است. این که همگان

شادند من در سوگ همبازی کودکی ام که خنده هایش در امتداد صدای باران پایان گرفت می گیریم. و ترانه ای را زمزمه میکنم که با یکدیگر برای مردم نجواش می کردیم باز باران بی ترانه می خورد بر خاطراتم باز هم با گریه هایش گریه می خواهیم دمداد...» آسمان زندگی من نیز روزی از این تباهی ابری خواهد شد و آن روز من برای این شهر، تنها جمله ای وصیت دارم «به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی»

درس دوم: نگارش ادبی ۱

فعالیت ۱: صفحه ۳۲

جمله زبانی زیر را به نثر ادبی تبدیل کنید.

زمستان گذشت و بهار آمد.

(۱) زمستان کوله بارش را بست و جایش را به بهار داد
(۲) دایه فصل با مهربانی دخترش زمستان را بدرقه کرد و او را با کوله بار سرد و نمورش روانه خانه کرد. دایه گیسوان دخترش بهار را آرام آرام شانه کرد و رخت سبز برتن نوعروسی پوشاند، لب هایش را با انار زمستان سرخ کرد و کلاه شکوفه ها را یکی یکی در گیسوان بهار جا داد. دایه فصل انگشتان بهار را کل کل زنان به حنا سرخ نمود و تورتورتی رنگی بر سر بهار گذاشت و نسیم را ساقدوش بهار کرد و با بوسه محبت راهی شهرها و روستاهایش کرد. به احترام بهار خانم شاخه های درختان دست تکان دادند و شکوفه نثار قدوم بهار کردند. بلبل به عشق معشوقه اش گل، نغمه عاشقانه سر داد. عروس سال با ناز آمد و همه جا را به قدومش عطر آگین ساخت.
(۳) خورشید کم رمق و ناتوان انگار دوباره از خواب بیدار شده بود از خواب زمستانی عمیق و طولانی خورشید دستان پرمهرش را به سمت زمین دراز کرده تا دوباره شکوفه ها و گل ها را به جان زمین بریزد تا بذر سبز تازگی و طراوت را به روزگار بخشد زمین خودش را آماده کرده است پذیرای قدوم مهربان و پر برکت بهار باشد که به شکرانه حضور دوباره بهار. فریاد بزند زندگی را دوست دارد زمین، زمستان را بدرقه کرد تا بهار را به جایش روی صندلی میهمان نورسیده بنشانند آری زمستان رفت که بهار برای دل ما شوق و امید و آرزو هدیه بیاورد.

فعالیت ۲: صفحه ۳۴

متن زبانی زیر، درباره دریاست؛ آن را به متن ادبی (نثر ادبی) تبدیل کنید.

دریاها، آب های گسترده در سطح زمین هستند. موج های دریا به ویژه در هنگام وزش باد به چند متر می رسند. دریاها، منابع غذایی و بزرگترین پشتوانه اقتصادی کشورها به شمار می آیند.

دریاها این بیکران عمیق حیات و زندگی در دستان زمین هستند که آرامش و طوفان را در دلشان جا دادند. آن هنگام که از امواج پر هیاهوی خویش سر بر آسمان می برند در اندیشه خروشان خویش به چه می اندیشند؟ و آن زمان که در آغوش باد آسوده خوابیده اند به کدام آرزو آرامش دارند دریاها این آبی سخاتمند و صبور و ساده و در بستر مهربانی خویش چه سفره ها که در خانه مردمان دنیا گسترده است و از دست گشایش و لطفش چه جان که جلوه یافته اند.
دریا، چراغ امید و آرزوهای مردمی است که به زندگی ایمان دارند که چشم انتظارند دل به دریا بسپارند و روزی برداشت کنند. دریا، این عظمت بی دریغ و بی انتها که در نهان وجود خویش، مظهر آرامش است و آبادی، نشانه بالندگی و زندگی است و بشارت دهنده چشمانی است که در آینه عظمت دریا خدا را دیده اند.

فعالیت ۳: صفحه ۳۶

دو تابلوی اطلاع رسانی به دو گونه نثر زبانی و نثر ادبی برای حمایت از کالای ایرانی بنویسید.

- **نثر زبانی:** با خرید کالای ایرانی، پشتیبان کارگران زحمتکش باشیم حمایت از کالای ایرانی حمایت از یک نسل تلاشگر و بی ادعاست.
- **نثر ادبی:** با حمایت از کالای ایرانی به رگ تولید و سربلندی ایران، خون تازه ای بریزید بذر اعتماد خود را در دستان کارگر ایرانی بکارید تا درخت آینده روشن، سبز بماند.

کارگاه نوشتن درس دوم: صفحه ۳۷

تمرین (۱) متن های زیر را بخوانید و آنها را بر اساس دو عنصر خیال و احساس و انتخاب واژه های مناسب بررسی کنید.

- الهی، به حرمت آن نام که تو خوانی و به حرمت آن صفت که تو چنانی، دریاب که می توانی.
- الهی، عمر خود به باد کردم و بر تن خود بیداد کردم، گفتم و فرمان نکردم، درماندم و درمان نکردم. الهی، عاجز و سرگردانم، نه آنچه دارم، دانم و نه آنچه دارم، دانم، دارم

رسائل جامع فارسی، خواجه عبدالله انصاری

خیال و احساس: استفاده از آرایه های ادبی متن را خیال انگیز کرده است.

- آرایه هایی چون: سجع: خوانی و چنانی ، فرمان و درمان و ... / کنایه: عمر بر باد دادن / جناس: دارم و دانم / آرایه عکس: نه آنچه دارم، دانم و نه آنچه دانم، دارم **انتخاب واژگان:** متن ستایش خداوند است. واژگانی چون ، الهی، حرمت، دریاب و... در خدمت متن است.
- تضاد بین: کردم و نکردم " / تکرار فعل: کردم، دارم / تناسب: عاجز، درمانده، سرگردان و ... سطر های متن را چشم نواز و برجسته کرده است.
- **آسمان کویر، این نخلستان خاموش و پرمهتابی که هرگاه مشت خونین و بی تاب قلبم را در زیر باران های غیبی سکوتش می گیرم و نگاه های اسیرم را همچون پروانه های شوق در این مزرع سبز آن دوست شاعرم رها می کنم، ناله های گریه آلود آن روح دردمند و تنها را می شنوم، ناله های گریه آلود آن امام راستین و بزرگم را که چون این شیعه گمنام و غریبی... سر در حلقوم چاه می بُرد و می گریست. چه فاجعه ای است در آن لحظه که یک مرد می گرید... چه فاجعه ای!**

کویر، دکتر علی شریعتی

عنصر خیال: علی شریعتی با بهره گرفتن از آرایه ای ادبی، به ستایش زادگاهش می پردازد. تشبیه: آسمان به نخلستان، نگاه به پروانه، سکوت به باران و ... / تشخیص: مشت قلب، نگاه اسیر، / تلمیح به بیتی از حافظ: مزرعه سبز فلک، و تلمیح به سر در چاه فرو بردن امام علی (ع) / تصاویر بکر و بدیعی که نویسنده خلق کرده بر غنای ادبی متن افزوده است. تصاویری چون: مشت خونین قلب، باران غیبی سکوت **انتخاب واژگان:** گزینش صفات: خاموش برای نخلستان ، بی تاب برای قلب ، دردمند برای روح و فعل رها کردن برای نگاه متن را سرشار از عاطفه و احساس کرده است. استفاده از تناسب و ترادف در متن بجا و مناسب است. تناسب: ناله، گریه، دردمند، فاجعه با گریستن ، امام راستین، امام علی (ع)، با چاه

تمرین (۲) متنی ادبی درباره یک صبح سرد و برفی زمستان بنویسید.

این اولین صبح زمستانی و برفی امسال است. خرس ها، سنجاب ها و دیگر حیوانات بد زمستان، که گل تابستان در کار و تلاش بودند از دیروز همه مرخصی گرفتند و در خانه هایشان به خوابی عمیق همچون مرگ رفتند. از دیشب تا الان برف در حال آمدن است. برف هایی که همانند

الماس هایی ریز و براق از آسمان به زمین می افتند و چنان دقتی در سفید کردن زمین به خرج می دهند.. که انگار در حال آماده کردن لباس عروس هستند. هوا که دیگر گفتن ندارد: هوا به حدی سرد شده است که گویا آسمان پنکه های... غول پیکر خود را روشن کرده و آنها را در سردترین درجه روی ما تنظیم کرده است . در این صبح سفید و سرد، چنان آرامش و سکوتی حاکم شده است که گویا این زمستان، خشم و نفرت جهانیان را همانند خود سرد و خاموش کرده است.

شعر گردانی

شعر زیر را بخوانید و برداشت خود را از آن بنویسید.

عشق، شوری در نهاد ما نهاد / جان ما در بوته سودا نهاد

گفت وگویی در زبان ما فکند / جست وجویی در درون ما نهاد

دم به دم در هر لباسی رخ نمود / لحظه لحظه جای دیگر پا نهاد

فخرالدین عراقی

عشق از محدود کلماتی که در این عالم بی همتا نمی توان آن را با یک کلمه و یا حتی با چند جلد کتاب توصیف کرد؛ بعضی ها می گویند عشق احساس دوست داشتنی است که از محبت فراوان پدید می آید و از حد می گذرد و می شود عشق؛ این حرفی کاملاً پوچ است. عشق احساس نیست. عشق خود ذات است عشق منشا حیات است عشق شور زندگیست. عشق انقلابیست بس قوی تر از انقلاب کبیر فرانسه! انقلابی که نه خود انسان بلکه تمام هدف انسان از حیات را دگرگون می سازد: انقلابی که روح انسان را صیقل می دهد و به عرش آسمان ها می کشاند و عاشق را نزد خالقش عزیزتر می دارد عشق خیلی بیشتر از یک احساس پوچ و بی فایده است که تنها قادر است نیاز های جسمی عاشقت را برطرف سازد عاشق نگاه معشوق خویش را مرهمی می داند که بر کهنه زخم های قلب خویش و گوشه چشمی از معشوق را با هیچ چیز این دنیا معاوضه نمی کند زیرا عشق در قلب و وجود آدمی نفوذ می کند و هیچ چیز عادی نمی تواند جای خالی آن را پر کند، مگر خدای عزوجل. عشق کلمه ای مقدس است آن را به هرکسی ابزار نکنیم و تقدس آن را از بین نبریم امید آنکه عشق واقعی را نسبت به خدایمان ابراز کنیم و عاشق او باشیم و نه بندگان او...

درس سوم: نگارش ادبی ۲

فعالیت ۱: صفحه ۴۷

با توجه به متن «چراغ سبز» به پرسش های زیر پاسخ دهید.

الف) همان گونه که در پایه نهم خواندید بخش های اصلی متن شامل موضوع مقدمه (زمینه چینی)، تنه (بدنه) و نتیجه پایان بندی) است. این بخش ها را در متن مشخص کنید.

بند مقدمه : (چراغ راهنما قرمز.... آیا آنها هیچ قانونی را رعایت نمی کنند) نویسنده متن خود را برای تاثیرگذاری با چند پرسش آغاز کرده است. **بند بدنه:** (نه فکر می کنم آنها هم هر کدام.... از صخره های سخن و عمودی آن بالا رفت) در این بخش تنه (بدنه) نویسنده به سوالاتی که خود داده است پاسخ می دهد و آن ها را تشریح می کند. **بند نتیجه :** (در چنین چهار راهی هیچ چراغ قرمزی نیست..... چراغ راهنمای پیش روی ما سبز میشود و به راه می افتیم) **بند جمع بندی:** ندارد

ب) وجود چه عناصری در این متن سبب شده است آن را قطعه ادبی بنامیم؟

مشاهده پدیده هایی طبیعی مثل زلزله روز شب ... و تلفیق آنها با خیال و احساس قطعه ادبی می سازد به شرط اینکه در شرح و تفسیر آن دقت شده و طولانی نباشد

فعالیت ۲: صفحه ۴۸

می توانید بگویید در جمله «چراغ در ختان که زرد و قرمز می شود، پاییز از چهارراه فصل ها می گذرد» چه آرایه هایی دیده می شود؟

تشبیه: چهارراه فصل ها؛ فصل ها به چهارراه تشبیه شده است؛ **وجه شبه:** چهار بین فصل و راه / **تشبیه:** چراغ درختان، درختان به چراغ تشبیه شده است؛ **وجه شبه:** سبز شدن در بهار زرد شدن در پاییز / **مراعات نظیر:** چراغ زرد قرمز چهارراه و درختان، پاییز، فصل / تشخیص و استعاره مکنیه: گذر کردن پاییز از چهارراه

فعالیت ۳: صفحه ۴۹

پس از مطالعه متن بالا، پرسشی های زیر را در گروه پاسخ دهید.

۱. در این متن، چه نگاه تازه ای به موضوع زمستان دیده می شود؟

فقط با خواندن جمله «بهار کلاغ ها زمستان است» می فهمیم که زمستان را زاویه دیگر هم می شود بررسی کرد اینکه در نبود بلبلان و گل ها، کلاغ ها در زمستان حضور پر رنگ تری دارند و انگار فصل خودنمایی آنان است.

و اینکه اگر خودمان را هم مثل فصل ها ببینیم و اگر حال و هوای زمستانی داشته باشیم، حتما کلاغ بر دل ما حکومت می کند و اگر بهارانه باشیم، دلمان را به بلبل و گل می سپاریم، تعبیر دیگری از متن است. در زمستانی که بلبل و گل و شکوفه وجود ندارد، باید کلاغ حکمرانی کند. این قصه روزگار است. و تا زمستان را شکست ندهی و نرود، بهار شادی آور با صوت زیبای بلبلان نغمه خوان، فرا نخواهد رسید.

۲. آیا در این متن از واژه ها و آرایه های ادبی مناسب استفاده شده است؟

بله: بهار کلاغ ها، زمستان است. / موسیقی زمستان، قارقار کلاغ هاست. / غربت بلبل و بهار / تناقض برف و کلاغ / کلاغ شیطان قارقار می کند. / جانمان بهارانه می شود. / بلبلان بر شاخه قلب مان می نشینند. / به انجماد و یخبندان تن نسپاریم. / خورشید را به ضیافت کده قلب مان دعوت کنیم. / گل، آغاز بلبل است. / چند قطره باران در ما گل می رویاند. / بلبل از مشرق گل طلوع می کند. همه اینها نمونه هایی از استفاده از واژه های مناسب و آرایه های تشخیص و تشبیه است.

کارگاه نوشتن درس سوم: صفحه ۵۱

تمرین (۱) پس از مطالعه متن کارگاه نوشتن، به پرسش ها پاسخ دهید.

۱) آغاز، میانه و پایان بندی متن را بررسی کنید.

آغاز: طوفان در وسعت روح می پیچد... چرا به آن پناه نبریم؟

نوشته با تصویری زیبا آغاز شده است. جملات آغازین متن خواننده را با متن همراه می کند. پیچیدن طوفان در روح، تشبیه اضطراب به گردباد و در جملات بعدی دنبال پناهگاه گشتن، باعث می شود مخاطب با شوق متن را دنبال کند. (کاربرد آرایه های به کار رفته در بند اول)

میانه: وقتی سجاده را می گسترانی ... از خاک به عالم پاک پل می بندیم.

نوشته به طرز مناسبی ادامه پیدا می کند. نقش آرایه ها در تداوم زیبایی و تصویر سازی نوشته چشمگیر است. بند ها انسجام دارند.

پایان: نماز پیوستن و گسستن است؛ به ساحل

بند آخر، یک پایان بندی تفکر برانگیز و جمع بندی تاثیر گذار است. نویسنده که در بند اول از اضطراب و طوفان نوشته بود، با مهارت خواننده را به دنبال خود می کشاند تا در بند آخر ساحل آرامش را به او نشان دهد.

(۲) دو جمله از متن انتخاب کنید که به نظر شما زیاتر و تأثیر گذارترند.

وقتی سجاده را می گسترانی، بهشت پیش رویت در می گشاید. / به رکوع می رویم و با این خم شدن در مقابل دوست، بزرگ می شویم. / هرکس تا سلام نماز را با خدا باشد به ساحل سلامت اندیشه و روح و جان رسیده است. / همه گل های بهاری به تبسم می ایستند.

(۳) به آرایه تضاد توجه کنید و تأثیر آن را در ایجاد فضای ادبی متن بیان کنید.

استفاده از آرایه تضاد در متن های ادبی باعث بوجود آمدن فضاهای خالی متفاوت و مقایسه بین مسائل مطروحه میشود که بر تاثیر گذاری آن می افزاید. تضاد: اضطراب با آرامش، بزرگ با کوچک، شکوهمند با حقیرانه، اخم با تبسم، قطره با دریا، پیوستن با گسستن، سر نهادگی با سرافرازی در همه تضادهایی که در متن استفاده شده به خوبی و سادگی می توان فضای مقایسه و تشریح و تحلیل را یافت و می توان دریافت که برای درک یک مفهوم استفاده از تضاد به مقایسه بین دو چیز کمک شایانی کرده و در انتخاب یکی از آنها به عنوان درست و نیکو مؤثر است. این کشمکش و مقایسه بین دو چیز در شکل گیری فضای ادبی متن اگر با استفاده از واژه های متناسب باشد، تأثیر زیادی دارد.

تمرین (۲) همانگونه که گفته شد، دامنه موضوعات قطعه ادبی همه قلمروهای زندگی از سوگ و سور، محبت و نفرت، گامیابی و ناکامی و

پدیده های عینی و خیالی است. قطعه ای ادبی درباره یکی از موضوعات مورد علاقه تان بنویسید.

آدم برفی دل گرم هم دیده ای؟

زمستان فصل به دنیا آمدن آدم برفی ها است. من هم یک روز سپید، تپش قلب بلورینم آغاز شد. چشمانم را باز کردم، یک جفت چشم قهوه ای بین آن همه سپیدی برف به چشمان گردویی ام زل زده بود! شال گردن قرمز را دور گردنم انداخت و لبخند شیرینی زد... گرم شده بود، آنقدر که انگار آتش در دلم افروخته بودند. همین طور نگاهش می کردم که مشغول کامل کردن من بود، کارش که تمام شد خوب نگاهم کرد، من هم چشم از او برنداشته بودم... قدری عکس از من گرفت و با خوشحالی خدا حافظی کرد و چشمان قهوه ای اش دور و دورتر می شد... با هر قدمش دلم آب می شد به امید برگشتنش... می گویند پشت سر مسافر باید آب ریخت تا برگردد، تمامم را به یادش فرو ریختم اما روز ها گذشت و هیچ نگاهی سرمای وجودم را از بین نبرد...

قطار آدم برفی ها داشت حرکت می کرد، شال گردنش را روی زمین گذاشتم و با کوهی از غم سوار قطار شدم، سرزمین آدم برفی ها قبلا برایم خوش بود... اما حالا فقط سرد بود و سرد بود و سرد... انتظار تولدی دوباره و دیدار دوباره او مرا پیر کرد. حال می فهمم که چرا در کتاب مقدس آدم برفی ها نوشته بود: دل گرم نشو! انسان ها وقتی تمام تو را بفهمند رهایت می کنند... تا زمانی برایشان ارزش داری که مبهم باشی، آن وقت روح کنجکاویشان در پی تو پرواز می کند. روز موعود فرا رسید، دوباره چشمان گردویی ام به چشمان قهوه ای او دوخته شد، اما این بار قلبم نمی تپید، فقط سرد و بی روح نگاهش می کردم... دوباره همان شال گردن قرمز را دورم انداخت اما من سالها بود که یخ زده بودم... (: با همان دهانی که هیچ گاه برایم نزاشته بود این بار سخن گفتم: به شانه ام زدی که تنهایی ام را تکانده باشی... به چه دل خوش کرده ای؟ تکاندن برف، از شانه های آدم برفی...؟؟

حکایت نگاری

اعرابی ای را دیدم در حلقه جوهریان بصره که حکایت همی کرد که وقتی در بیابان راه گم کرده بودم و از زادمعنی با من چیزی نبود و دل بر هلاک نهاده که ناگاه کیسه ای یافتم پرمروارید. هرگز آن ذوق و شادی فراموش نکنم که پنداشتم گندم بریان است و باز آن تلخی و نومیدی که بدانستم که مروارید است.

در بیابان خشک و ریگ روان / تشنه را در دهان چه دُر چه صدف

مرد بی توشه کاو فتاد ز پای / بر کمر بند او چه زَر چه خَزَف (سبو، کوزه، هر چیز گلی که در آتش پخته شده باشد).

گلستان، سعدی

روزی از جایی عبور می کردم که دیدم عرب بیابان گردی در جمع جواهر فروشان بصره نشسته است و داستانی را با شور شوق تعریف می کرد شنیدم که می گفت: یک بار که راه خودم را در بیابان گم کرده بودم و هیچ آب و غذایی هم برایم نمانده بود و دیگر فکر می کردم که کارم تمام است و زنده نخواهم ماند. ناگهان کیسه ای پیدا کردم که در آن مروارید های درشت و زیبا بود هیچ زمان یادم نمی رود وقتی آن کیسه را پیدا کردم از خوشحالی و شادی نمی دانستم چه باید بکنم، چون فکر می کردم که در آن کیسه نان و آب و غذا وجود دارد و می توانم از آداستفاده کنم و زنده بمانم

اما تا دیدم در آن کیسه مروارید های زیبا و چشم نواز بسیاری وجود دارد دچار یک غم و ناامیدی عجیب شدم. عجیب به این خاطر که در آن کیسه پر از مروارید بود و من هیچ خوشحال نشده بودم و بی دلیل نیست که گفته اند. در بیابان خشک و سوزانی که هیچ جنبه ای توان زندگی ندارد برای انسان تشنه هیچ چیزی ارزش آب را ندارد. چه مروارید های درخشان و چه صدف های گران بها برای او جای آب و غذا را نمی گیرد. برای مرد از پا افتاده ناتوان در دل بیابان فرقی نمی کند که چه به همراه داشته باشد. حال می خواهد طلا و اشیا گران بها باشد و یا چیزهای دیگر و بی ارزش، آنچه در آن شرایط برای او ارزش دارد و او را نجات می دهد آب است و دیگر هیچ.

درس چهارم: نامه نگاری

فعالیت ۱: صفحه ۶۱

با توجه به پیشرفت ها و دگرگونی های ناگزیر فکری و فناوری دنیای آینده، آیا می توانید تصویری از چگونگی نامه و نامه نگاری در چند سال بعد مجسم کنید و آن را روی کاغذ بیاورید؟

با توجه به روند پیشرفت بشر در حوزه های فناوری و تکنولوژی می توان تصور کرد که در حوزه نامه و نامه نگاری و حتی نامه رسانی هم پیشرفت های شگرفی اتفاق بیفتد. مثلاً کافی است شما یک فایل صوتی در تلفن همراهتان ضبط کنید و اسم شخصی را هم می خواهید این اطلاعات به او انتقال پیدا کند را ببرید. این اطلاعات در کمترین زمان ممکن به دست او خواهد رسید. / نامه ها و اطلاعات مورد نظر شما به صورت یک فایل یا عکس یا یک نشانه کوچک رمزگذاری شده انتقال می یابد. / نامه ها و اطلاعات مورد نظر شما در یک تراشه کوچک مثل انواع کارت های بانکی نگهداری می شود و به وسیله دستگاه هایی شبیه دستگاه های خودپرداز بانکی به فرد مورد نظر انتقال می یابد. / نامه های اداری و انواع درخواست های کاری دیگر به صورت کاغذی نخواهد بود و از طریق صفحات الکترونیک شخصی قابل ارسال و دریافت خواهد بود. / شاید روزی تکنولوژی به حدی برسد که پیام های مغزی به طور خودکار توسط پردازنده های کوچک متصل به بدن دریافت شود و به کارت حافظه

دستگاه الکترونیک همراه هر شخصی منتقل شده و از این طریق و فقط با فکر کردن به یک نامه، درخواست، متن و یا نوشته و با تأیید شخص به دیگران ارسال شود. / هر نامه ای که در هر جای دنیا نوشته می شود، با اتصال به یک درگاه مشترک و امن، قابلیت ارسال در هر زمان و به هر مکان را از طریق ارسال یک پیام کوتاه به آن درگاه داشته باشد. شاید هم روزی برسد همه نامه های نوشته شده به طور خودکار تبدیل به یک فایل صوتی شده و در یک بانک نگهداری بشود. / با توجه به پیشرفت بشر، احتمالاً در آینده ای نزدیک، اصلاً چیزی به عنوان مراجعه به ادارات و سازمان ها برای پیگیری مطالبات و کارها وجود نداشته باشد و هر فرد از هر مکانی با ارائه کد شناسایی مربوط به خود بتواند انواع و اقسام درخواست ها، نامه ها و امور اداری خود را از طریق وسایل الکترونیک شخصی انجام دهد و از این طریق حجم مراجعه حضوری به ادارات به صفر برسد. / نامه های خصوصی و خانوادگی را بتوان با ضمیمه های مختلف مثل عکس، فیلم و سایر آنچه مطلوب ماست به طور کاملاً خصوصی و غیرقابل دسترسی در زمان خاص و مکان خاص روی سیستم های صوتی و تصویری خانگی نمایش داد.

فعالیت ۲: صفحه ۶۶

با توجه به آنچه خواندید، در گروه های کلاسی، درخواستی رسمی برای ارسال مجلات رشد به مدرسه بنویسید. سپس هر گروه، شکل و محتوای درخواست گروه یا گروه های دیگر را نقد و بررسی کند.

تاریخ: ۹۹/۹/۲۰

به نام خدا

موضوع: تقاضای ارسال مجلات رشد

مدیر مسئول محترم مجله رشد

با عرض سلام و احترام

با توجه به استقبال اولیا و دانش آموزان از مطالعه مجله وزین رشد خواهشمند است دستور فرمایید ارسال مجلات رشد به مدرسه به صورت منظم و براساس انتشار هر شماره انجام شود.

با احترام

جعفر کاشانی

مدیر دبیرستان دهخدا

فعالیت ۳: صفحه ۶۷

دعوت نامه ای به دوستان هم کلاسی برای جشن تولد نان بنویسید.

نمونه اول:

هم کلاسی های عزیز، خورشید به شوق زمین طلوع می کند و باران به اشتیاق گل فرو می ریزد. من نیز به محبت بی دریغ شما دل بسته ام. به برکت حضور شما در روز میلادم، خاطره ای ثبت خواهد شد که ماندگار باشد. چشم انتظار قدوم مهربان شما هستم، یکشنبه پنجم آبان هزار و سیصد و نود و هفت. کلاس دوازدهم تجربی

میلاد عرفانی

نمونه دوم:

تولد یعنی طعم خوش خاطره هایی که دوست داری با دیگران تقسیمش کنی هم کلاسی های عزیزم؛ از شما دعوت می کنم تا در روز چهارشنبه، هفتم آذر و در کلاس مهربان ادبیات، حتما حضور داشته باشید که در روز میلادم و در کنار شما خاطره ها ماندگارتر است.

زهرا مردانی

فعالیت ۴: صفحه ۷۰

نامه ای خطاب به یکی از افراد خانواده بنویسید.

مادر مهربانم، از آغوش تو، پناهگاه گرم تری ندیده ام. از آغوشی که از روز تولدم تا روز مرگت به روی من گشوده خواهد بود. بگذار به چیزهای خوب فکر کنیم؛ که مرگ تو، تلخ ترین اتفاق دنیاست. یادت می آید؟ روزهای سخت زندگی در غربت را که اگر داستان مهربان و نگاه نوازشگر تو نبود، دنیا برایم تیره می شد. همان وقت ها که تمام لحظه هایمان را با هم می گذرانیدیم. در خیابان قدم می زدیم. زیر باران می دودیدیم. تو نیمه باقی مانده بستنی مرا می خوردی و می دانستم وقتی دارم از سرسره پایین می آیم، تمام حواست به من است. یادت می آید همه لحظه هایی که پدر، سخت مشغول کار بود و کمتر به خانه می آمد، تو تمام جای خالی اش را برای من پر می کردی. یادت می آید یک بار که پسر آقای رحیمی به صورتم سیلی زده بود، چطور با پدرش مشاجره کردی و پشتیبانم بودی. آری. شاید تو یادت نیاید. چون تو بی دریغ مهربانی می کردی. اصلا مهربانی نمی کردی که بعدها یادت بیاید و تعریف کنی و منت بگذاری. اما من خوب یادم هست. تمام لحظه هایی را که تو تمام دنیای من بودی. تمام ثانیه هایی را که «با تو بودن» پر می شد، تمام قلبی را که از من لبریز بود. مادر مادر عزیزم. آن روزها گذشته است. داستان من بزرگ و برنا شده و داستان تو پیر و فرسوده. قامت من سر به آسمان ساییده و قامت تو رو به زمین گردانده است. اما هنوز هم تو در قاب تمام خاطره های خوب من نقش بسته ای. هنوز هم طعم لذت قدم زدن زیر باران را با تو دوست دارم.

هنوز هم همان پسر کوچک و ناتوانی هستم که به یاری مدام تو چشم داشت. مادر. باور کن بذر محبتی که تو در دل کوچک من کاشته بودی تا انتهای دنیا محصول دارد. بار می دهد. باور کن که ریشه این درخت تا اعماق وجودم فرو رفته است. باور کن هیچ چیز، نه تندباد ناملایمات روزگار و نه دلبستگی ها و روزمرگی های فراوان و نه سیلاب رنگ های پرتکرار دنیا، مرا از تو باز نمی دارد. باور کن مادر که دوست داشتن تو، بهترین کار دنیاست. من به تمام وقت های با تو بودن مدیونم. به همه نفس هایی که در آغوش تو کشیده ام. به تک تک اشکهایی که روی شانه تو ریخته ام. به صدای لالایی های شبانه ات. به عطر خوش احساسات. به بی کران عشقی که به جانم ریخته ای. مادر جان. دوست داشتن تو در دلم جا نمی شود. از بس که دوستت دارم.

فعالیت ۵: صفحه ۷۱

نامه سرگشاده مقام معظم رهبری به جوانان اروپا را که در پیوست آمده است بخوانید و بنویسید چه اطلاعاتی از آن به دست آورده اید.

نامه های سرگشاده با مخاطب عام سروکار دارد که می تواند مردم یک شهر، یک کشور، یک قاره باشد و با آنکه گویی یک نفر را به طور مجازی مخاطب قرار داده است، موضوع نامه به گروه زیادی از مردم مربوط می شود. در نامه سرگشاده مقام معظم رهبری به جوانان اروپا و آمریکای شمالی بحث رجوع به تاریخ، رویکرد سیاستمداران در مورد دین، معرفی ادیان مختلف به جوامع مخصوصا اسلام و نمای بیرونی که حکومتها از اسلام ساخته اند، مطرح است. آنچه از ضمیر روشنگرانه نامه پیداست، لزوم تحقیق مؤثر و شناخت ادیان مختلف به ویژه اسلام، از منابع موثق و قابل اعتماد است و نه از ظاهرسازی های جهت دار حکومت ها در مورد دین مبین اسلام. این نامه سرگشاده سعی دارد از جوانان سرزمین های دور بخواهد که پنجره آگاهی را به سوی خود بگشایند و از پس این پنجره به روشنی ها و افق های بی کران اسلام بنگرند. نکته ای ویژه در این

نامه اشاره به لزوم آگاهی از جهانی است که در آن زندگی می کنیم و هیچ گونه قضاوت شخصی و اجبار و تکلیفی در مورد عقاید صاحب نامه (مقام معظم رهبری در آن به چشم نمی خورد. در این نامه از جوانان اروپایی و آمریکای شمالی خواسته می شود با طرح سؤالات مهم و اساسی از دولتمردان و حاکمان خود در مورد تعریفشان از اسلام و مسلمان، به یک رویکرد روشن در حوزه اسلام عملی و درست و اسلام افراطی برسند. سؤالاتی که اگر جواب منصفانه ای برای آن از سمت حاکمان مطرح شود، قضاوت های عمیق تر و درست تری در بین جوانانی که فقط با توجه به تبلیغات بی شمار بدخواهان از اسلام ترسیده اند، ایجاد خواهد شد. قضاوت هایی که شاید شعله مسئولیت پذیری و وجدان آیندگان را برای ارائه نمایی درست و کامل و عاقلانه از اسلام روشن کند و نگذارد تفسیر عده ای، آن هم بنا به رویکرد سیاسی خاص و منافع شخصی و مادی، تلقی همه از اسلام ناب و مهربان باشد. آنچه بیش از هر چیز در این نامه خود را به رخ می کشد، کلید منطق است که هیچ خردمندی با هر سلیقه ای نمی تواند آن را نادیده بگیرد و انکار کند که اگر اصل این نامه جز بر پایه منطق و انصاف و عدالت بنا میشد، جای هیچ گونه دفاعی باقی نمی گذاشت و رنگ تعصبات جاهلی به خود می گرفت.

کارگاه نوشتن درس چهارم: صفحه ۷۲

تمرین (۱) ساختار نامه اداری زیر را در گروه بررسی کنید.

یک نامه اداری از ۵ بخش تشکیل می شود: ۱- سربرگ ۲- عنوان ۳- متن ۴- امضا ۵- گیرندگان رو نوشت.
در سربرگ: تاریخ ذکر نشده است
در عناوین موضوع ذکر نشده است
کلمه احترام باید پیش از عنوان بیاید
نام و نام خانوادگی ذکر نشده است و امضا ندارد

به نام خدا
مدیر محترم کتابخانه عمومی شهر...
سلام علیکم
با احترام، این جانب ...، متقاضی عضویت در کتابخانه و استفاده از تالار مطالعه آن هستم؛ خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به عضویت این جانب اقدام شود.
مدارک زیر به پیوست تقدیم می شود:
۱. دو قطعه عکس
۲. گواهی اشتغال به تحصیل
۳. رونوشت شناسنامه و کارت ملی
۴. برگه واریزی مبلغ عضویت
با سپاس
نام و نام خانوادگی
امضا

تمرین (۱) از بین دو مورد زیر یکی را به دلخواه برگزینید و نامه ای بنویسید.

نامه ای به معلم درس نگارش خود بنویسید و دیدگاه هایتان را در مورد این درس و روش تدریس با ایشان در میان بگذارید.

نامه ای به وزیر علوم بنویسید و نظراتان را درباره آزمون کنکور مطرح کنید

به نام خدا

تاریخ: ۹۹/۱۱/۱۸

وزیر محترم علوم

موضوع: اظهار نظر درباره آزمون کنکور

با سلام و احترام.

اینجانب مبینا عبادی به عنوان یک دانش آموزی که در پایه دوازدهم تحصیل می کند، استدعا دارم که، با توجه به برگزاری امتحانات نهایی در خرداد ماه و چه بسا در مواردی مشکل بودن قبولی در برخی از این امتحانات، و با در نظر داشتن تمام اضطراب ها و نگرانی های یک دانش آموز نسبت به آینده ی خود، در مورد سطح بالا بودن سوالات آزمون کنکور تجدید نظر شود. همانطور که استحضار دارید، پس از برگزاری آزمون سراسری ۱۳۹۹، همه دانش آموزان، معلمان و مشاوران کنکور نسبت به مشکل بودن و حتی در برخی موارد غیرقابل حل بودن سوالات این آزمون، اعتراض خود را اعلام کردند؛ اما تا به امروز پاسخی در این باره به آنها داده نشده است.

اینجانب خواهشمند است بررسی های لازم درباره این موضوع بکار گرفته شود.

با تشکر و آرزوی سلامتی.

نام و نام خانوادگی: مبینا عبادی

امضاء:

شعر گردانی

شعر زیر را بخوانید و دریافت خود را از آن بنویسید.

ای صبا، نکستی از خاک ره یار بیار / بیر اندوه دل و مژده دلدار بیار (نکته: بوی خوش)

نکته ای روح فزا از دهن یار بگو / نامه ای خوش خبر از عالم اسرار بیار

تا معطر کنم از لطف نسیم تو مشام / شمه ای از نفعات نفسی یار بیار

عاشق به هرچه از معشوق به او رسد، دل خوش می کند. به خبری، نامه ای، یادبودی، خاطره ای و یا حتی بوی خوش و نسیمی عاشق به از معشوق رسیده محتاج است. برای آنکه یادش نرود که عشق دلیل مهم زنده بودن است. عاشق، غم و اندوه دوری از معشوق را با عطر خوشی که از او می آید، فراموش می کند و مژده وصال او را بدون دانستن زمان و مکان، تربیتی تلقی می کند که انتظار، چراغ روشن عشق است. که با آن دنیا را می بیند و می شنود و بو می کشد. و با کلامی که از جانب دوست به او می رسد، دل خوش و تازه می شود و گویی برای او پرده از اسرار عالم هستی برداشته اند. عاشق فقط معشوق خود را بو می کشد. می فهمد، پیدا می کند و از همه جهان فارغ و بر دوست سفر کرده مشتاق است. عاشق به اندازه همه ستاره ها، معشوقش را می بیند و حس می کند، حتی اگر از او فرسنگها دور باشد. حتی اگر در کوره جدایی از او ذوب شده باشد. حتی اگر در زمستان برفی هجران یخ زده باشد. عاشق همیشه و در همه حال به معشوق می اندیشد و به یاد ایام خوش وصالش. کام عاشق با شیرینی وصال معشوق شیرین است و مشام عاشق از عطر خوش یار لبریز. اوست که فقط میداند عشق یک پیوند ناگسستنی است که در ظرف زمان و مکان جا نمی شود. که تمام می شود گم نمی شود. کهنه نمی شود. رنگ نمیبازد. تکراری نمی شود. عشق به اندازه همه دلدادگی ها ادامه دارد. تا انتهای بودن ها. در امتداد دوست داشتن ها. عشق جاودان ترین احساس انسان است. تمام دنیا را اگر به عاشق ببخشی و او سلطان بی چون و چرای عالم هم که باشد تا معشوق را در بر نبیند و بو نکشد و حس نکند، لطفی و شوقی برای او ندارد. که باغ بی درخت، خوش نیست و آسمان، بی خورشید و بهار بی گل و جهان، بی یار. عاشق در خیال معشوق هم که باشد، دنیا برایش فرق می کند. رنگ دیگری دارد. که معنی انتظار را بهتر از هر کسی می فهمد.

درس پنجم: نگارش علمی (مقاله نویسی ۱)**فعالیت ۱: صفحه ۸۴****دو عنوان برای مقاله تحقیقی پیشنهاد دهید که هم محدود باشد، هم شفاف؟**

استعاره ها در شاهنامه خلاقیت در ترجمه طبیعت انسانی در بوستان

فعالیت ۲: صفحه ۸۶**مقدمه زیر را بخوانید و دو بخش زمینه مسئله و بیان مسئله را در آن تحلیل کنید**

زمینه مسئله:

زمینه مسئله در پیچه و پنجره ورود به بحث مقاله است. در این متن نویسنده یک نگاه کلی را در ابتدای متن بدین صورت آورده است که: از نظر انجمن ملی خواندن درک مطلب اهمیت زیادی در رشد مهارت های کودکان و بنابراین در توانایی تحصیلی آنها دارد. نویسنده با این عنوان متن خود را آغاز می کند تا بر اصل اخلاق پژوهش یعنی همان ذکر منابع پایبند باشد. در این مطلب برای بهبود تحصیلی و بالا بردن توانایی تحصیلی دانش آموزان از درک متن و توانایی خواندن استفاده کرده است و همچنین اهمیت سواد خواندن در دانش آموزان با پشتوانه نتایج تحقیقات مطالعات بین المللی مورد بررسی قرار گرفته است.

بیان مسئله:

در بیان کردن مسئله سعی در این بوده که در یک جمله انجام شود یعنی در این جمله که: سعی در بهبود وضعیت درک متن دانش آموزان ۹ تا ۱۰ ساله دارد. یعنی مخاطب این درک مطلب بیشتر با این افراد است. در بیان کردن مسئله عنوان ریزتر و جزئی تر مطرح و بررسی می شود.

فعالیت ۳: صفحه ۸۷

بدنه اصلی مقاله «جنبه های ادبی در تاریخ بیهقی» را بخوانید. این مقاله حاصل پژوهش کتابخانه ای است. در این بخش نویسنده موضوع مورد نظر خود را توضیح می دهد. انسجام و پیوستگی بندها را تحلیل کنید

یکی از ویژگی هایی که در تاریخ بیهقی خود را نشان می دهد در هم تنیدگی جملات و کلمات است که بیهقی از آن سود برده است. این در هم تنیدگی او سبب می شود که معانی و مفاهیم جملات در ذهن خواننده شکل گیرد و بدون وقت به صورت زنجیروار فکر نویسنده در فکر خواننده شکل گیرد. در مقاله جنبه های ادبی در تاریخ بیهقی نیز این ویژگی ها استفاده شده است و از این قاعده پیروی کرده است. از بهترین و قشنگ ترین ویژگی ها بیهقی میتوان به کوتاهی جملات و زبان گفتار مردمی او اشاره کرد. کوتاهی جملات سبب اذیت نشدن مخاطب و زبان گفتاری بیهقی همان زبان مردم بوده است پس درک آن بسیار راحت و دلنشین می باشد.

در این مقاله در بند اول آن به تحلیل کلی نوشتاری خود پرداخته است و در بندهای بندی و به صورت منسجم از بند اول نتیجه گرفته و یک تحلیل علمی ادبی را ارائه کرده است.

استفاده از ترکیب سازی، پسوند و پیشوندها، مترادفات و ... نتیجه همین منسجم سازی در متن ایشان است. باید این را بدانیم که استفاده از نقل قول به دلیل تجربه کم سبب کم ارزش شدن متن و از بین رفتن انسجام می شود که بیهقی این مسئله را به خوبی می دانسته است.

در متن بالا استفاده از نقل قول شفيعی کدکني چنان به موقع و به جا بوده است که تمام گمانه زنی در بند قبلی را از بین می برد و استفاده درست بیهقی از جملات و نقل قول ها را به درستی نشان می دهد.

یکی از دلایلی که سبب زیبایی متن بیهقی شده است استفاده درست و به جا از ابزارهای نوشتن در متن است. یک شخص عادی و معمولی ممکن است در هنگام نوشتن یک متن با استفاده از نقل قول های بی جا و نامفهوم و همچنین استفاده نادرست از ابزارهای نوشتن سبب شود که متنی می نویسد از نظر خودش زیبا و جذاب باشد اما خواننده و مخاطب آن را نپسندد.

فعالیت ۴: صفحه ۸۸

بخش بحث و نتیجه گیری مقاله «یادگیری معنادار» را با توجه به دو نکته زیر بررسی کنید:

– تحلیل یافته ها

– نتیجه گیری با استفاده از مطالب مقدمه

از منظر تحلیل یافته ها:

۱- کلمات در ۴ گروه که شامل حیوانات، اسامی خاص، حرفه ها و گیاهان بود مطرح شد.

۲- شرکت کنندگان از قبل مفاهیم مربوط به حیوانات، اسامی خاص، حرفه ها و گیاهان را می دانستند.

۳- یادگیری شده شد چون یاد گیرنده آنها را معنادار کرد.

۴- شرکت کنندگان کلمات را در قالب طبقه بندی معنادار کردند.

۵- برای یادگیری و به خاطر سپازی مطالب در ذهن خود چارچوب معنایی ایجاد می کنند.

از منظر نتیجه گیری با استفاده از مطالب مقدمه:

افراد به جای اینکه پردازشگران منفعل اطلاعات باشند پردازشگران فعال اند.

تمرین (۱) چند مقاله تحقیقی را در مجلات انتخاب کنید و با توجه به آنچه آموختید نقاط قوت و ضعف آن را بیابید.

یکی از مقالات که از منابع متعدد و کتابات گسترده ای نوشته شده بود

آنچنان با اطلاعاتی جامع و کامل به شرح مقاله پرداخته بود که تنها با خواندن مقاله می توانست خواننده را جذب خود کند زیرا علاوه بر جامع

بودن و همه جانبه بودن مقاله، سعی در صراحت نوشتار نیز شده بود، به گونه ای که خواننده با خواندن آن به راحتی مطلب مورد نظر را درک می

کرد و از کلمات پیچیده و بیانی نامفهوم استفاده نشده بود و این چند مقوله خیلی مهم و کارآمد از یک مقاله بود.

البته مقدمه و نتیجه گیری مقاله نیز خیلی پربار و خیلی جامع بود، به طوری که اگر کسی وقت یا توانایی خواندن کامل مقاله را نداشت می توانست

با خواندن مقدمه مقاله و نتیجه گیری کامل آن، پی به موضوع و دست آورد آن شود.

در مقاله ای دیگر با اینکه از نظر منابع، مقاله ای پر بار بود اما همه چیز را به صورت مقطعی و خلاصه وار توضیح داده بود و به شرح کامل آن

نپرداخته بود. به گونه ای که حس می شد تنها به کمیت مقاله توجه شده است و به کیفیت آن دقت نشده است و با خواندن آن تنها حس

سرگردانی و اطلاعاتی نصفه و نیمه به دست می آمد و این مشکل موجب شده بود که مقاله، جذابیت خود را برای خواندن از دست بدهد، با اینکه

خیلی پربار و حجیم بود.

تمرین (۲)

با راهنمایی دبیرتان موضوعی انتخاب کنید و مقاله ای تحقیقی بنویسید

تعریف کلی از استرس

جامعه ما استرس را به عنوان بخشی از زندگی روزمره می بیند، ما می توانیم شواهدی از این تکامل انسان را ببینیم، گونه هایی که با محیط سازگار می شوند و تغییرات آن، آن هایی هستند که غالب می شوند، به تکامل ادامه می دهند و ما می توانیم آن را پیدا کنیم. این امر ما را به یک سوال سوق می دهد، استرس چیست؟ در واقع دانشمندان مفهوم آنچه فشار ناشی از احساسات ذهنی است ندارند؛ با این حال، یکی از تعاریف می گوید: “استرس اصطلاحی است که برای توصیف واکنش فیزیکی، عاطفی، شناختی و رفتاری به رویدادهایی استفاده می شود که به عنوان “تهدید یا چالش برانگیز” ارزیابی شده اند

واژه استرس برای اولین بار در روانشناسی حدود ۵۰ سال پیش توسط هانس زیله مورد استفاده قرار گرفت. این به فرد بستگی دارد که بداند چه نوع استرس دارد، چرا باعث آن شده و چگونه با آن مبارزه کند.

استرس چیست؟

استرس، روش بدن برای پاسخگویی به هر نوع تقاضایی است. این می تواند ناشی از هر دو تجربه خوب و بد باشد. وقتی مردم احساس می کنند که چیزی در اطراف آن ها جریان دارد، بدنشان با آزاد کردن مواد شیمیایی به خون واکنش نشان می دهد. این مواد شیمیایی انرژی و نیروی بیشتری به مردم می دهند که اگر استرس آن ها ناشی از خطر فیزیکی باشد، می تواند یک چیز خوب باشد. اما این می تواند چیز بدی باشد، اگر استرس آن ها در پاسخ به چیزی عاطفی است و هیچ خروجی برای این انرژی و قدرت اضافی وجود ندارد. این کلاس درباره علل مختلفی از استرس بحث می کند، که استرس چه تاثیری بر شما می گذارد، تفاوت بین استرس ‘خوب’ یا استرس ‘مثبت’ یا استرس ‘منفی’، و برخی واقعیات معمول در مورد این که چگونه استرس امروز بر مردم تاثیر می گذارد. ... محتوای بیشتری نشان دهید ...

پس از اینکه علایم استرس خود را شناسایی کردید، باید بدانید چطور با آن کنار بیایید. برای من، راه های زیادی برای مقابله با استرس وجود دارد. استرس می تواند با گوش دادن به موسیقی، آواز خواندن و یا حتی موسیقی بر روی استرس غلبه کند. برای کسانی که موسیقی را دوست ندارند، تمرینات ورزشی مانند دویدن یا شنا کردن را انجام می دهند.

دوست داشته باشید که دوست دارد بازی های کامپیوتری بازی کند. او پاسخ داد: “یک روز وقتی از او پرسیدم که چرا دوست دارد بازی های کامپیوتری را خیلی زیاد بازی کند، پاسخ داد: “من بازی های کامپیوتری برای انتشار استرس بازی می کنم.” از آن زمان به بعد، متوجه می شوم که همه راه خود را برای مقابله با استرس دارند.

نمونه هایی از عوامل استرس زا عبارتند از:

۱- آسیب یا عفونت بدن، خطرات در محیط زیست، تغییرات عمده یا تغییر در زندگی، باعث می شود که ما با شیوه های جدید کنار بیاییم.

۲- عوامل استرسزا مانند سر و صدا، آلودگی، تغییرات آب و هوایی، و غیره

۳- روابط روزمره با تمرکز بر کار، خانواده، فعالیت های اجتماعی، بهداشت و امور مالی.

۴- خشونت و اختلافات.

اثرات استرس به سه دسته تقسیم می شوند:

الف) اثرات فیزیولوژیکی:

اختلالات بدنی مرتبط با استرس به طور معمول ظاهر زخم پپتیک، فشار خون بالا، خستگی مزمن، تغییرات هورمونی، افزایش ضربان قلب، مشکل تنفس، بی حسی اندام، بیماری قلبی و کاهش ایمنی و غیره است.

ب) اثرات روانشناختی:

اضطراب، افسردگی، ناامیدی، بی نظمی، خشم، نگرانی، تحریک پذیری، تنش و خستگی ممکن است تجربه شود.

ج) تغییرات رفتاری:

کاهش کارایی، اشتباهات، عدم توانایی در تصمیم گیری، خوردن یا شستشو، بی خوابی، افزایش سیگار کشیدن، افزایش اعتیاد به الکل و مواد مخدر، فراموشکاری، حساسیت و حساسیت، ترس از تصادف و مشکلات بین فردی دیده می شود.

استرس با اختلالاتی نظیر سرطان و اختلالات قلب مرتبط است. چندین متغیر میانجی وجود دارد که تعیین می کند که آیا تنش خطرناک است یا نه. به عنوان مثال، مکانیسم های موثر مقابله ای که می توانند به کاهش استرس، داشتن حمایت اجتماعی مناسب کمک کنند، اغلب در کاهش استرس کمک می کنند.

مثل نویسی

مثل های زیر را بخوانید. سپس یکی را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.

- آفتاب پشت ابر نمی ماند.
- عاقل نکند تکیه به دیوار شکسته.
- عالم شدن چه آسان، آدم شدن چه مشکل

یک روز از لابه لای سیاهی ها و ظلمات و تاریکی ها روزنه ایی از نور و روشنایی پدیدار خواهد شد و باری دیگر امید در قلب های خموش، کورسویی می زند تا تو دوباره برخیزی و از نو شروع کنی. وقتی که ابرهای در برگرفته ی آسمان که رنگ نیلگون آن زیر پوشش خود قرار داده است کنار رود آفتاب از پشت ابرها پدید خواهد آمد. درست به مانند آنکه هیچ گاه حقیقت پنهان نخواهد ماند و به زودی اسباب فریبنده کنار زده می شود و راستی و درستی از میان دروغ و حيله آشکار خواهد شد. شاید برای مدتی آسمان، ابری باشد و تاریکی همه جا را فراگرفته باشد اما یقین بدان که خیلی زود حال بد آسمان خوب می شود و آفتاب در فراز آسمان، عمود می تابد و کودکان زیرپتوی طلایی آسمان به شادی و هلهله می پردازند.

شاید عده ایی از افراد از روی نادانی یا حيله و دشمنی به فکر پنهان کردن حقیقتی باشند درست مثل کسی که بی گناه تا پای دار می رود اما بالای دار نمی رسد و حق به حق دار می رسد زیرا در این دنیا هیچ چیزی از دید پروردگار که ناظر همه ی امور انسان ها است پنهان نخواهد ماند زیرا هیچ گاه آفتاب پشت ابر نمی ماند.

اگر در زندگی روزمره ی خود در خیال و افکار تصور می کردید که برای همیشه رازی را در پشت سر خود چال کردید مطمئن باشید که خیلی زود پرده از راز شما برداشته خواهد شد. بنابراین هر چه زودتر برای جبران آن تلاش کنید زیرا هیچ گاه آفتاب پشت ابر نمی ماند.

درس ششم: نگارش علمی (مقاله نویسی ۲)**فعالیت ۲: صفحه ۱۰۰****مقاله «سنگی زیر آب» را در پیوست کتاب مطالعه کنید و چکیده و کلیدواژه های آن را بنویسید. در نوشتن چکیده به موارد زیر****دقت داشته باشید: طرح هدف طرح روش کار طرح یافته های اصلی ارائه مهمترین نتیجه**

چکیده: در این مقاله که برگرفته شده از یکی از اشعار هوشنگ ابتهاج است به ظرافت ها، مضامین ناب و اصیل به جای شعر او، نوآوری و ابتکاراتی در بکارگیری واژه ها و محتوای شعر ابتهاج پرداخته شود. در یکی از بهترین سروده های هوشنگ ابتهاج به نام «مرجان» سعی شده است که با نوسرایی نگاه دیگری به این مقاله داشته باشیم و تعبیر زیبا و جذاب به کار برده شده است. قرار است که ما در این مقاله این موضوع را درک کنیم که هوشنگ ابتهاج در این شعر سعی کرده است که رویکرد اصلی ادبیات را نشان دهد به عبارت دیگر جوری دیگر دیدن با مضامین و موضوعات جدید و شگفت!

نتیجه کلی که از این مقاله می توان گرفت این است که هوشنگ ابتهاج یکی از بهترین شعرای معاصر است که با بیان ظرافت ها و استفاده از ترکیب هایی با وصف مناسب و قشنگ توانسته است که او را در عرصه ادبیات مشهور و درخشان کند.

کلیدواژه ها: مرجان (دریایی) - نوآوری - ادبیات کهن - نوسرایی - شاعران معاصر ایرانی - نوبینی

تمرین (۱) فهرست منابع کتاب های درسی خود را با هم مقایسه کنید

۱- ریاضیات گسسته ۲- دین و زندگی ۳- حساب دیفرانسیل

ریاضیات گسسته

۱- جان فروند و راندوالپول، آمار ریاضی ترجمه علی عمیدی و محمدقاسم وحیدی اصل، مرکز نشر دانشگاهی، تهران چاپ سوم ۱۳۷۳.

۲- جواد بهبودیان، آمار و احتمال مقدماتی، انتشارات آستان قدس ۱۳۶۸.

۳- علی عمیدی، احتمال و کاربرد آن، انتشارات دانشگاه پیام نور ۱۳۷۲.

۴- ۱۹۷۶S.Ross, A First course in Probability, macmilan

دین و زندگی

۱- آموزش عقاید، محمدتقی مصباح یزدی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

۲- اثبات خدا، سید محمدباقر صدر، مترجم محمود عابدی، انتشارات روزبه.

۳- انقلاب تکاملی اسلام، جلال الدین فارسی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

حساب دیفرانسیل

۱- زنگنه، حمیدرضا، نادری، امیر، حساب دیفرانسیل و انتگرال توابع یک متغیره انتشارات دانشگاه صنعتی اصفهان.

۲- مدقالچی، علیرضا، آنالیز ریاضی ۱، انتشارات دانشگاه پیام نور تهران ۱۳۶۸.

۳- جیمز استوارت، حساب دیفرانسیل و انتگرال، انتشارات فاطمی چاپ اول ۱۳۸۸.

۴- سیاوش شهشهانی، حساب دیفرانسیل و انتگرال انتشارات فاطمی چاپ اول ۱۳۸۶.

۵- زولاندای لارسن، رابرت پی هوستلر، حساب دیفرانسیل و انتگرال جلد اول، ترجمه - علی اکبر عالم زاده - نشر اتحاد.

مقایسه فهرست منبع کتب های درسی

با مقایسه کردن فهرست منبع کتب های درسی به این نتیجه میرسیم که در حوزه های تخصصی به منابع تخصصی که مورد اعتماد بوده است رجوع می شود و به دلیل معتبر بودن این اسناد سالیان مختلفی است که به آنها وفادار بوده و همواره برای منابع کتاب ها از این منابع بهره مند می شدند همچنین در صورت وجود شک و شبهه ای از لحاظ معنایی یا محتوایی از استفاده کردن از آن اجتناب می کردند. همین کتابی که طی چند منبع تولید و گردآوری شده است خود می تواند در طی سالیان دیگر به عنوان یک منبع محکم و استوار استفاده شود. البته دقت لازم را داشته باشید که به دلیل حساسیت های بالا ممکن است کتب درسی هم دارای اشکالات علمی و محتوایی باشند.

حکایت نگاری

حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.

سوداگری بار آبگینه داشت. یکی از باجگیران عنان بارگیرش بگرفت و بر آن بار آبگینه چوبدست خویش محکم فروگرفت و گفت: «ای رفیق، چه در بار داری؟» گفت: «اگر چوب دیگر زنی، هیچ!»

پریشان، قآنی

تاجری بر اسب خود، بار شیشه داشت. در میانه ی راه باج گیران کمین کرده بودند، زمانی که تاجر را به همراه اسب و بار او دیدند یکی از باج گیران افسار اسب او را گرفت و با چوب دستی که در دستش بود محکم به روی بار شیشه ی تاجر کوبید و به تاجر گفت: ای رفیق! چه در بار خود داری؟ تاجر گفت: اگر بار دیگر چوب خود را بکوبی هیچ چیزی از آن باقی نمی ماند زیرا همه ی شیشه ها می شکستن یا خرد می شدند و نه چیزی برای تاجر می ماند و نه چیزی برای باج گیر! این داستان حکایت آن دسته افرادی است که سعی در کندن از دیگران و سود بردن از آن ها هستند اما با حماقت و ناآگاهی خود موجب می شوند که هم دیگران صدمه ببینند و هم خودشان در این ماجرا سرشان بی کلاه بماند اما کاش به جای آن و به جای سود بردن از زحمات دیگری بدون آنکه خودمان زحمتی بکشیم، برویم و کار کنیم و از دست رنج خودمان بهره مند شویم تا دیگران نیز از طریق ما دچار آسیب و ضرر نشوند. زیرا دزدان هیچوقت سرانجام خوبی نخواهند داشت.